

## علیه امپراطوری مرگ

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی صفحه ۲

### جدال بر سر آینده‌های انسانی امان کفا صفحه ۵

## قرارداد ۲۵ ساله، برجام و

## اپوزیسیون بورژوازی

آذر مدرسی

درز کردن خبر توافقنامه ۲۵ ساله میان ایران و چین یکی از مهمترین مسائلی بود که توجه میدیای فارسی زبان و نیروهای سیاسی را به خود جلب کرد. جمهوری اسلامی آنرا خونی در رگهای مرده خود مینامد، احمدی نژاد از مخفی نگاه داشتن آن انتقاد میکند و نیروهای سیاسی در اپوزیسیون آنرا «معاهده غارتگرانه»، «قرارداد اسارت بار»، «معاهده ترکمنچای»، «تهدید حاکمیت ملی»، «تقویت موقعیت ایران در منطقه» و ... مینامند، و خواهان لغو آن شده اند.

اما آیا این قرارداد رعد و برق در آسمان بی ابر بود؟ سران جمهوری اسلامی استراتژی «نگاه به شرق»، تلاش برای نزدیکی سیاسی، اقتصادی و استراتژیک به چین و روسیه برای مقابله با فشارهای سیاسی و اقتصادی غرب و در راس آن امریکا، را مدتها است و بویژه پس از خروج امریکا از برجام، اعلام کرده اند. از طرف دیگر دولت چین هم مدتها است رسماً و علناً استراتژی «جاده ابریشم جدید» را بعنوان بخشی از سیاست خود در رقابت با امریکا، برای دستیابی به بازار اروپا و افریقا و «ادغام اورآسیا» اعلام کرده است. توافقنامه ۲۵ ساله، نقشه اجرای این استراتژی و متحقق کردن آن از طرف ایران و چین است.

هنوز ابعاد واقعی این قرارداد، معضلاتی که جمهوری اسلامی و دولت چین برای اجرای آن در پیش خواهند داشت، نقش این قرارداد در رابطه ایران با دول غربی، تاثیر آن بر برجام و ... روشن نیست. اما چیزی که روشن است هر دو طرف اهدافی متفاوت، استراتژیک و تاکتیکی از این قرارداد دارند. ... صفحه ۳

## هفت تپه اسریش را آزاد کرد!

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی

## رویای ممنوع عبدالله مهتدی

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

## کفتم زمین زیر پای شما را دادم به کنیم

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

HEKMATIST.COM

هفتگی ۳۱۶



۱۶ ژوئیه ۲۰۲۰ - ۲۶ تیر ۱۳۹۹  
پنجشنبه ها منتشر میشود

## علیه نا امن کردن فضای زندگی و مبارزه مردم

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۷

زیربنای سیاسی

- سرایشی حاکمان
- یک «پلیس بهتر»
- کشتی سوراخ سوراخ نظام
- از اسرائیل: «بگذارید نفس بکشیم»

فواد عبداللہی

سرایشی حاکمان

«دلنگرانی» اخیر ترامپ پیرامون حکم اعدام معترضین آبان ۹۸ به توسط جمهوری اسلامی همانقدر توخالی و مضحک است که «دلواپسی» دو جناح نظام در مورد قتل جورج فلویید پوچ بود. چگونه است که این لات به تمام معنا با تحریم اقتصادی و گرو گرفتن نان و داروی ۸۰ میلیون انسان در ایران، ککش نگزیده اما حالا به حکم اعدام ۳ جوان شرکت کننده در تحولات آبان ماه گذشته معترض است؟! از سال گذشته تا سه شنبه این هفته، ۲۲ مورد اعدام با تزریق سم در برخی ایالات آمریکا صورت گرفته است. سیاه روی سفید، قانون اعدام جزو شاخص‌ها در قانون اساسی دولت آمریکا تعریف شده است؛ تفاوتش با جمهوری اسلامی آنجاست که هر کدام دیگری را به تبعیت از شکل و فرم قانون اعدام دیگری فرما می‌خوانند. بر این اساس، هر کدام دیگری را به «نقض حقوق بشر» و دخالت در امور دیگری محکوم می‌کنند. با این کار، یکی بر سرکوب بی‌محابای معترضان در آمریکا به توسط پلیس و دستگاه سرکوبش صحنه می‌گذارد، و آن دیگری اعتراضات ۹۶ و ۹۸ در ایران را «اغتشاش» و «عوامل آمریکا» می‌خواند تا با توسل به این تاکتیک جامعه به تنگ آمده را مرعوب کنند. هر دو، تا هستند بقصد ارباب مردم، به هم نان قرض می‌دهند و محتاج یکدیگرند. فاکتوری که امروز همه جای دنیا تغییر کرده است رابطه مردم با دولتها است؛ به همین اعتبار، حاکمان صدای لرزش زمین زیر پایشان را حس کرده‌اند. تا جایی که به رابطه هر دو دولت با مردمشان برمی‌گردد، هدف، چیزی جز سرکوب طبقه کارگر و مردم معترض نیست. این محور تاکتیک همه حاکمان بویژه و بطور عریان در جهان پس از کرونا است. هر دو ناتوان از مهار اوضاع داخلی و توده عظیم بی‌باخته علیه وضع موجوداند. هر دو سرایشی را تجربه می‌کنند. هر دو با موج برگشت مطالبات محرومان روبرواند. سلاح اعدام و ارباب مردم نمی‌تواند به «عادی‌سازی» شرایط بحرانی نظام سرمایه‌داری در دوران کرونا کمک کند. ... صفحه ۴

آزادی برابری حکومت کارگری

## علیه امپراطوری مرگ

اطلاعیه حزب حکمتیت (خط رسمی)

موج دوم کرونا در ایران بیش از ۱۵ استان را در وضعیت اضطراری قرار داده و روزانه از مردم بی پناه و بی دفاع صدها قربانی میگیرد. صف طولانی بیماران، بیمارستانهای مملو از بیمار، پزشکان بی امکانات، چهره امروز شهرهای ایران را تشکیل میدهد. وضعیت تهران بطور ویژه اضطراری اعلام شده است. جامعه در هراسی بی پایان عملاً فلج شده است. در چنین شرایطی روحانی در اوج بیشمرمی اعلام میکند «موج دوم اپیدمی کووید-۱۹ که از یک ماه قبل در ایران آغاز شده، کم کم در حال عبور است!»

در شرایطی که خطر ابتلا به بیماری میلیونها نفر را تهدید میکند نماز جمعه و تجمعات را تعطیل کرده اند اما از تعطیلی مراکز کاری، از امکانات پزشکی رایگان برای مردم، از تامین زندگی مردم و ..... هنوز خبری نیست.

در دور اول کرونا اعلام کردند اگر اقتصاد نچرخد معیشت مردم تامین نمی شود. گفتند اقتصاد بر جان مردم مقدم است. اقتصاد چرخید و چرخه فساد و دزدی و اختلاس هم سرعت می چرخد، چرخ شلاق بر پشت کارگران و احکام زندان و اعدام دستگاه قضایی شبانه روز می چرخد. اقتصاد چرخید و هر چند دقیقه یک نفر می میرد.

اقتصادی که قبل از کرونا مردم گرسنه و بیکار و زیر خط فقر بودند و در زمان کرونا هم از فقر و گرسنگی و هم از بیماری بطور مضاعف می میرند، اقتصاد نیست. امپراطوری مرگ است! به بانک هایشان نگاه کنید، به مراکز نظامی و ادوات و تسلیحات کشنده و نابود کننده شان نگاه کنید، به برج های سر به فلک کشیده و هتل های لوکس و کالاهای لوکس و پر زرق و برق شان پشت و پرتین ها نگاه کنید، کدام یک از این کالاها و امکانات سرسام آور توانست در بحران کرونا جان حتی یک انسان را نجات دهد؟!

امروز باردیگر حسن روحانی حرف آخر نظام را در کمال بیشمرمی و بغایت ضد انسانی تکرار کرد: «با دو میلیون نفر می میرند، یا سی میلیون گرسنه به خیابان می ریزند!» و دولت و نظام حاکم بر ایران اولی را انتخاب کرده است تا دومی اتفاق نیفتد. سیاست کشتار عمومی برای نجات نظام!

قرار است کرونا با پاشیدن خاک مرگ بر جامعه، با تحمیل فقر و استیصال، با تبدیل مردم خوشبین به آینده و مصمم به مردمی زخمی، عزادار، بیمار، فقیرتر، گرسنه تر، نظام را از خطر به زیر کشیده شدن نجات دهد. همانطور که جنگ ایران و عراق یک موهبت الهی برای نظام بود. موهبت الهی که نتیجه آن برای مردم چند میلیون کشته و زخمی، فقر و بیکاری و جامعه ای داغدار و ویران شده بود. اولویت جمهوری اسلامی نه مقابله با کرونا و نجات جان میلیونها انسان، که نجات نظام و وقت خریدن و عقب راندن مردم معترض و متنفر از حاکمیت است. اولویت شان نجات امپراطوری مرگ است!

اما جامعه پویا، انقلابی و معترض ایران با طبقه کارگر پیشرو و کمونیسم اش، فلاکت و مرگ و میر مضاعف امروز، و تمام مصیبت های دیگری که در همه این سال ها بر مردم وارد شده است، را با یک انفجار عظیم اجتماعی پاسخ خواهد داد. انفجاری که نطفه هایش در خیزش های دی ماه ۹۶، آبان ۹۸ و اعتصابات مکرر و تا به امروز بخشهای بزرگی از طبقه کارگر، بسته شده است.

جمهوری اسلامی هم، خود را برای این نبرد نهایی آماده کرده و تمام سرمایه خود از ماشین سرکوب تا «برکت کرونا» را برای این جنگ به کار انداخته است.

کارگران، مردم!

جمهوری اسلامی کمر به نابودی جامعه ما بسته است. بازی حاکمیت با زندگی مردم با کرونا شروع نشده و با آن تمام نخواهد شد. ویروس کوید-۱۹ بدون جدالی قاطع و مصمم با ویروس جمهوری اسلامی از بین نخواهد رفت.

نباید بهای سیاست ضد انسانی این نظام را ما با جان و سلامت و معیشت مان بپردازیم. همسران ما، در مقابل چشمان ما در منازل می میرند، در خیابان ها می افتند و می میرند، در صف بیمارستان ها ماندند و هیچوقت به خانه

برنگشتند. این جنایت آشکار را نباید پذیرفت. در مقابل این فاجعه انسانی بایستیم و جان و سلامت و امنیت جامعه را با گشودن درب خزانه های نظام فاسد جمهوری اسلامی پاسداری کنیم.

اعتراضات اجتماعی علیه مرگ و میر انسان ها، گرانی و تورم و گرسنگی، برای رفاه و آزادی و خلاصی از جهنم اسلامی نمیتواند تا پایان نامعلوم بیماری کرونا صبر کند. جامعه آستان اتفاقاتی چون خیزش های عمومی، اعتصابات گسترده تر کارگری و شورش بینوایان است. نبردهای عظیمی در پیش است. خود را برای این نبرد متحد و آماده کنید!

کمونیست ها، سوسیالیست ها!

به درست گفته می شود که دنیای پس از کرونا آغاز انفجارهای اجتماعی در گوشه و کنار جهان است. در مورد ایران این را میشود با قطعیت بیشتری گفت. تبعات بحران کرونا در ایران به دلیل ویژگیهای جامعه، نوع حاکمیت و رابطه مردم و دولت سریع تر از هر جای دیگر دنیا خود را نشان می دهد.

کمونیست ها و طبقه کارگر آگاه باید برای نبردی که در پیش است آماده شوند. جامعه امروز به لشکری از سوسیالیست ها نیاز دارد. کمونیست ها و سوسیالیست هایی که منشا اتحاد، اعتماد به نفس و خوشبینی، منشا امید به آینده ای انسانی، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را برای جدال نهایی با بورژوازی حاکم آماده میکنند.

رفقا!

با پایان حاکمیت بورژوازی در ایران، فقر و فلاکت، خرافات و تحمیق مذهبی، استبداد و تبعیض و نابرابری از جامعه رخت بر خواهد بست!

ایران سوسیالیستی بعد از جمهوری اسلامی به شکل باور نکردنی، تصویر و چهره خاورمیانه را تغییر خواهد داد. صلح جای جنگ، آزادی جای خفقان، برابری اقتصادی جای غنیمت گرفتن ثروت جامعه توسط اقلیتی مفتخور، برابری زن و مرد جای تبعیض و آپارتاید جنسی، آزادی اندیشه و قلم و بیان و تشکل و تحزب، جای خفقان و حقه کردن اجباری خرافات و ارتجاع، شوراهای کارگری و حاکمیت شورایی جای دستگاه سرکوب بورژوازی و تسلیح توده ای جای ارتش و سپاه و بسیج را خواهد گرفت.

تحقق آزادی و برابری فردا در گرو مبارزه بی امان امروز مردم متحد و سازمانیافته علیه فقر و فلاکت و بی مسئولیتی نظام جمهوری اسلامی در قبال جان و سلامت و امنیت انسان های جامعه است. نگذارید مردم اسیر فقر و بیکاری و نداری، قربانی ویروس مرگبار کرونا شوند. جمهوری اسلامی را بخاطر مرگ ده ها هزار انسان و میلیون ها مبتلای کرونا به چالش بکشید. این رژیم باید پاسخگوی رها کردن انسان ها در دامان مرگ و نابودی باشد. تعطیلی شهرهای بحران زده و تامین معیشت مردم حداقل کاری است که این رژیم باید انجام دهد. نگذارید دولت سرمایه داران برای حفظ سودآوری سرمایه هایشان جان و حرمت و انسانیت مردم را به بازی بگیرد، یقه شان را بگیرد!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیت (خط رسمی)

۲۵ تیرماه ۹۹ - ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۰

ایران سوسیالیستی بعد از جمهوری اسلامی به شکل باور نکردنی، تصویر و چهره خاورمیانه را تغییر خواهد داد. صلح جای جنگ، آزادی جای خفقان، برابری اقتصادی جای غنیمت گرفتن ثروت جامعه توسط اقلیتی مفتخور، برابری زن و مرد جای تبعیض و آپارتاید جنسی، آزادی اندیشه و قلم و بیان و تشکل و تحزب، جای خفقان و حقه کردن اجباری خرافات و ارتجاع، شوراهای کارگری و حاکمیت شورایی جای دستگاه سرکوب بورژوازی و تسلیح توده ای جای ارتش و سپاه و بسیج را خواهد گرفت.



از ایجاد «جاده ابریشم جدید» چین تا مقابله با فشار سیاسی و بویژه اقتصادی بر ایران و نجات اقتصاد ورشکسته و به بن رسیده ایران و یا استفاده تاکتیکی ایران برای فشار به دول اروپایی برای مقابله با تحریمهای اقتصادی آمریکا، دور زدن دلار در معاملات بازرگانی و سرمایه گذاری و ... بخشهایی از این اهداف اند.

اما عکس العمل نیروهای سیاسی اپوزیسیون راست پروغرب به این قرارداد، محکوم کردن آن بعنوان «قراردادی علیه حاکمیت ملی» و علیه «منافع ملی» با چاشنی بالای ضدیت با کمونیسم و «توتالیتریزم» آن، کشف اهداف جاه طلبانه «دولت کمونیستی چین» و ضدیت آن با حقوق بشر و دموکراسی غربی و ... ربطی به این واقعیات ندارد. نه سرمایه گذاری چین، در شکل دولتی، نه سرمایه گذاری دول غربی در شکل بنگاههای خصوصی، نه قرارداد ۲۵ ساله و نه برجام و نه هیچ قرارداد اقتصادی دیگری قرار نیست به «رشد اقتصادی» و «شکوفایی اقتصاد» و بهبود زندگی میلیونها انسان در ایران کمک کند. برای دیدن این واقعیات لازم نیست کسی محقق و متخصص مسائل سیاسی-اقتصادی جهان باشد، لازم نیست کارشناس «اتاق فکری» یا دستگاه تحقیق عمومی باشد تا پشت این قراردادها و جذب سرمایه و ... واقعیت را ببیند. ندیدن این واقعیت از طرف نیروهای بورژوازی و راست اپوزیسیون و هیاهوی «معاهده ترکمنچای» و تفاوت «سرمایه گذاری غرب و شرق» و مدل «توسعه اقتصادی و دموکراسی غربی» با مدل «استعماری و ضد دموکراسی چینی» بیشتر از اینکه بیان واقعیتی باشد بیان کننده موضع سیاسی-ایدئولوژیک «کارشناس» و «محقق» و نیروهای سیاسی راست است.

اعتراض نیروهای راست پروغرب به رابطه جمهوری اسلامی و چین، سیل اطلاعاتی های «محکوم میکنم، محکوم میکنم» این «علیه قرارداد اسارت بار»، نامه نگاری به دولت چین و تقاضای لغو آن و تقاضای دول غربی برای مقابله با این «قرارداد ننگین»، تقاضای رفتارندم برای تصویب آن و ... معضل و درد دیگری را در میان نیروهای راست بورژوازی نشان میدهد.

همین نیروهای راست با همین حرارت، و البته با احترام بیشتری به «پرزیدنت اوباما» به برجام و تخفیف تنش و کشمکش میان آمریکا و ایران برخورد کردند. با همین حرارت از تشدید کشمکش، از خروج ترامپ از برجام، از تحریم اقتصادی ایران، به بهای فقر و فلاکت میلیونها نفر در ایران، استقبال کردند و بر طبل تشدید فضای نظامی کوبیدند و تعدادی هم خواهان در دستور قرار گرفتن دوباره «رژیم چین» از طرف «پرزیدنت ترامپ» شدند. از ناسیونالیستهای کردی چون مهتدی تا جنبش فیروزه ای و فرسگردهی های اولترا فاشیست و شعبان بی مخ های آقای پهلوی، برای ترامپ و سیاست «فشار حداکثری» او هورا کشیدند! و البته همگی زیر ضدیت با جمهوری اسلامی و تحت لوای دفاع از اعتراض و جنبشی که برای تعیین تکلیف نهایی با یکی از ارتجاعی ترین و کثیف ترین قدرتهای قرن به میدان آمده است. دفاع از جنگ اقتصادی علیه میلیونها نفر در ایران، دفاع از نا امن کردن جامعه برای اعتراض و مبارزه، دفاع از سناریوی سیاه «رژیم چین» و ... به نام دفاع از مردم! فقط لجنزاری که این راست در آن دست و پا میزند را نشان میدهد.

معضل اصلی امروز اینها اما چیز دیگری است. ممکن بودن «نگاه به شرق» و استفاده از شکاف و رقابت و کشمکش میان قطبهای امپریالیستی برای ادامه بقا حکومت و «نجات نظام»، کم شدن تاثیر «فشارهای حداکثری» ترامپ و کشمکش با ایران، کم شدن شانس دست بدست شدن قدرت از طریق «رژیم چین»، «حمله نظامی» و ... و در یک کلام بسته شدن افق قدرتگیری زیر سایه تنش و کشمکش و دخالت آمریکا، نگرانی اصلی نیروهایی است که افول ستاره شان، ترامپ، تضعیف موقعیت آمریکا و بسته شدن درچه شانس آنها برای قدرتگیری را به همراه دارد. وگرنه آقای پهلوی هم اگر به جای خامنه ای بود، برای «نجات میهن و مام وطن» همین درجه پراگماتیست میشد. در این میان البته «چپ»ی که امیدش به تسریع «انقلاب» در اثر فشار اقتصادی

و گرسنگی و فقر و استبداد و تشدید کشمکش آمریکا و ایران و فضای نظامی بود، «چپی» که معضلی با «دخالت بشردوستانه» آمریکا برای تسریع «انقلاب» نداشت، باندهای ارتجاعی دست ساز آمریکا و عربستان، را «جنگجویان آزادی» میخواند و زیر لوای مخالفت با جمهوری اسلامی از تقویت رقبای ارتجاعی جمهوری اسلامی حمایت میکرد، امروز زیر نام «این قرارداد موقعیت ایران را در منطقه تقویت میکند»، هم این قرارداد را محکوم کرد! تاز «ناسیونالیسم اسلامی پرو شرق» را می تراشد تا چاشنی ارتجاعی بودن جمهوری اسلامی را بالا ببرند. این «چپ» پا به پای «متخصصین» راست امید دارند که چین خط قرمز آمریکا در مبادلات اقتصادی را به نفع ایران زیر پا نمیگذارد و جای نگرانی نیست! معضل این «چپ» پرو غرب هم مانند جناح راست بسته شدن افق سرنگونی زیر «فشار حداکثری» آمریکا است.

اما این قرارداد هم مانند برجام شانس نجات جمهوری اسلامی را نخواهد داشت. نه فقط بدلیل «بدعهدی» یا «خیانت» چین به ایران و یا انتخاب بازار آمریکا در مقابل بازار ایران، بلکه اساسا بدلیل جنبشی که رسماً سرنگون کردن جمهوری اسلامی را به قدرت خود و برای یک آینده انسانی در دستور خود قرار داده و عرض اندام کرده است و به جمهوری اسلامی وقت و فرصتی برای نجات «نظام» نمیدهد. جنبشی که اتفاقاً «فشار حداکثری» تحریم اقتصادی، فضای جنگی ... را به اندازه جمهوری اسلامی دشمن خود میداند. جمهوری اسلامی و هر دولت ارتجاعی دیگری میتواند سالها با ورشکستگی اقتصادی و بحران اقتصادی زندگی کند اما بحران سیاسی، فشار پائین و وجود یک جنبش رادیکال و تعرضی برای پایان دادن به حیات آن دولت است که سوت پایان آنرا میزند. مردم وقت متحقق کردن این قرارداد را به جمهوری اسلامی نخواهند داد!

بر متن بن بست و بی آلتناثیوی سیاسی- اقتصادی رژیم، طبقه کارگر و توده وسیع مردم ناراضی اند که دست اندرکار سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی به دست خود و با اتکا به قدرت خود هستند و لحظه تعیین تکلیف با حاکمیت را نزدیک و نزدیکتر میکنند. جامعه ایران آستان انفجاری عظیم است و نه برجام، نه قرارداد ۲۵ ساله، نه آمریکا، نه چین و نه اپوزیسیون بورژوازی، توان کنترل یا مقابله با آن را ندارند.

## هفت تپه اسرایش را آزاد کرد!

### آزادی کارگران از زندان دزفول

بر اساس خبر سندیکای کارگران هفت تپه، بعد از ظهر امروز چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۹-۱۵ ژوئیه ۲۰۲۰، کارگران دستگیر شده، محمد خنیفر، یوسف بهمنی، ابراهیم عباسی منجزی و مسلم چشم خاور از زندان دزفول آزاد شدند.

آزادی این عزیزان نتیجه تلاش و ایستادگی کارگران هفت تپه و خانواده های آنها، نتیجه دفاع همه جانبه آنها از رفقا و نمایندگان خود، نتیجه تجمعات اعتراضی آنها در شوش و در میان حمایت گرم مردم شریف این شهر و نتیجه حمایتهای تا کنونی کارگران و مردم آزادیخواه از هفت تپه و اسرای آنها است.

حزب حکمتیست(خط رسمی) آزادی کارگران زندانی را به این عزیزان و خانواده هایشان، به خانواده بزرگ هفت تپه و مردم شوش، به همه حامیان هفت تپه و به طبقه کارگر در ایران تبریک میگوید. اتحاد و پایداری کارگران هفت تپه و تلاش برای آزادی این عزیزان ستودنی است.

### زنده باد اتحاد طبقاتی کارگران زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب حکمتیست (خط رسمی)  
۲۵ تیر ۱۳۹۹-۱۵ ژوئیه ۲۰۲۰

# مجمع عمومی نماینده مستقیم کارگران





اوضاع خطرتر از آن است که فرصتی به بازسازی نظام آقایان بدهد. برزخ کاپیتالیستی حاکمان، با بیداری بشریت از آمریکا و اروپا تا ایران و خاورمیانه سینه به سینه شده است. تا جایی که به ایران برمی‌گردد، هدف از اعدام و احکام اعدامی‌های آیامه ارباب و عقب‌رانند مردم و تنگ‌کردن حلقه اختناق در جامعه است. سرکوب و اعدام، شیوه اصلی ارتجاع اسلامی برای حفظ حاکمیت کثیفش در ایران است. جزئی از موجودیت جمهوری خون و جنایت اسلامی از روز به قدرت خریدنش در ایران بوده و تا پایان عمر منحوسش ادامه خواهد یافت. اما ورق تماماً برگشته است و ناقوس مرگ جمهوری اسلامی از دیماه ۹۶ و ابان ۹۸ توسط جامعه به صدا درآمده است و اکنون زمره «اتحاد اتحاد» در هر کارخانه و کوچه برزنی پیچیده است. روند تحولات در جامعه ایران در دستان قدرتمند نیروی بلفعل طبقه کارگر و کمونیست‌ها و تعیین تکلیف‌شان با حاکمیت است. بحران اقتصادی - سیاسی و بیداری بر سر مطالبات رفاه، معیشت، برابری و لغو قانون اعدام را ضریب حاکمیت ۴۰ ساله استبداد و آپارتاید جنسی در ایران کنید به مخزن باروت یک انقلاب کارگری همانند انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میرسید.

### یک «پلیس بهتر»

مارک کوئین، هنرمند انگلیسی روز چهارشنبه مجسمه‌ای از «جن رید»، معترضی سیاه‌پوست از جنبش «زندگی سیاه‌پوستان مهم است» را به جای مجسمه سرنگون شده ادوارد کولستون، دلال برده قرار داد. سرنگونی مجسمه او بازتاب خشم عمومی از تداوم و بازتولید تبعیض و برده‌داری در جهان کاپیتالیستی است که در پی کشته‌شدن جورج فلویید، به دست پلیس ایالات متحده آغاز شده است. مقام‌های شهری مجسمه کولستون را به خارج از این شهر برده و قرار است این مجسمه به موزه تاریخ سپرده شود. اما شهردار شهر بریستول تنها ۲۴ ساعت در مقابل طعم شیرین تمهیل قانون محرومان به حاکمان دوام آورد! عمق آزادیخواهی و آزادمنشی بورژوازی در انگلستان ۲۴ ساعت بطول انجامید! به دستور شهرداری شهر، تندیس جایگزین از صحنه برداشته شد. شهردار شهر در مقام یک «پلیس خوب» فرموده است که «مجسمه ساز بدون اخذ اجازه از شهرداری اقدام به جایگزینی کرده است و این خلاف قانون است؛ ایشان باید هزینه انتقال مجسمه‌اش را هم پرداخت کند!»

و دقیقاً همین‌جاست که دم خروس جناب شهردار بیرون می‌زند: «خلاف قانون!! آیا جناب شهردار، این «پلیس بهتر» شهر، از همین مردم اجازه گرفته است که نماد بردگی را به مدت سه قرن در وسط شهر کوبیده‌اند؟! آیا این «سگ خوب» شهر، به افکار عمومی مردم رجوع کرده‌اند که ببینند مقام و منزلت یک دلال برده چقدر است و مقام و جایگاه یک فعال ضد نظام بردگی چقدر؟! کدام شایسته احترام و قدردانی‌اند؟!»

خیر! قرار نیست که حق و قانون، از پایین به بالا اعمال شود. جناب شهردار مطیع پارلمان و قانون بردگی مزدی و نمادهای تاریخی طبقه حاکمه است؛ این قانون، سیاه روی سفید شالوده دموکراسی پارلمانی است؛ در دورانی که مردم در همین انگلستان تره برای حاکمان خورد نمی‌کنند و سنبله‌های ناسیونالیسم عظمت‌طلب انگلیسی از جمله چرچیل را به باد استهزاء گرفته‌اند، ایشان مأمور تذکر دادن به مردم و مجری قانون بردگی در چهارچوب سیستم حقوقی بورژوازی است. از منظر جناب شهردار، حق آزادی بیان و آزادی اعتراض به تبعیض و بردگی و حقارت تنها تا آنجایی مشروع است که «حق مالکیت و امنیت» نظام سرمایه‌داری را به مخاطره نندازد. مالکیت خصوصی «مقدس» است و کسی نمی‌تواند جلوی تداوم بردگی را بگیرد!! تا وقتی که نظام آقای شهردار حاکم است و پارلمان، پلیس، دادگاه، روزنامه و تلویزیونش را برای «امنیت» و اقتدار خود برپا می‌دارد عملاً چه جایی برای آزادی بیان اکثریت مردم و اعتراض محرومین علیه بردگی مزدی باقی می‌ماند؟! تا وقتی که نیروی کار کالا است و کار گیر آوردن مردم مشروط به میل و منطق سودآوری سرمایه است، «حق کار» در عمل یک شوخی توهین آمیز به صدها میلیون بیکار در نظام بردگی مزدی آقایان است. تا زمانی که حق مالکیت حاکم است تبعیض جنسی و نژادی علیه بشریت در اشکال گوناگون آن ادامه دارد.

نظامی که اساسش حق مالکیت خصوصی و تقدس نمادهای ناسیونالیستی و برده‌داری است، از همان ابتدا مهر جنایتکاران و استثمارگران و بی حقوقی مطلق اکثریت عظیم مردم جهان را بر پیشانی خود دارد. این قانون و نظام حقوقی بورژوازی است که جناب شهردار دارد دوباره گوشزد می‌کند و به آن

وجهه ابدی و ازلی می‌دهد. برای ایشان، گذشته سیاهی‌لشکر آینده است. اما رویدادهای چندماه گذشته به بهانه قتل فلویید در همین انگلستان ثابت کرد که «هرآنچه سفت و سخت است دود میشود و به هوا میرود». آنچه امروز روی ذهن مردم سایه انداخته است تبلیغات و پروپاگاندا جناب شهردار حول مسئله «قانون» نیست بلکه برعکس، مردم دریافته‌اند که برای رهایی واقعی از بردگی مزدی و برای بدست آوردن حقوق واقعا انسانی باید چهارچوب محدود و قسطنی دموکراسی پارلمانی را پشت سر گذاشت. برابری و آزادی واقعی بشر، از دالان نظام حقوقی بورژوازی نمی‌گذرد. بنای جامعه‌ای که بر اساس نفی مالکیت، بردگی، سود، تبعیض، دادگاه و پلیس و ارتش بورژوازی ساخته شود تنها از عهده طبقه کارگر و انقلاب کارگری ساخته است. پاسخ به نیازهای فردی و اجتماعی انسان تنها بر اساس مشارکت مستقیم و آزادانه توده‌های انسانی در امر سیاست و اقتصاد و قانون بنا می‌شود. نبرد طبقاتی سهمگینی در متن جامعه انگلستان در جریان است. شبی که جناب شهردار را به سمت دفاع از قوانین بورژوازی مالکیت و نهادهای آن کشانده است، همین نبرد آشکار مادی - سیاسی و طبقاتی در متن جامعه است.

### کشتی سوراخ سوراخ نظام

خامنه‌ای در یک ارتباط ویدئویی با نمایندگان مجلس به آنها توصیه کرد «از حاشیه‌سازی و تشنج میان قوا پرهیز کنند. مردم با گریبان‌گیری و تشنج میان قوا مخالفند.»

مردم مخالف دعوا در بالای نظام و تشنج میان قوا نیستند! برعکس، مردم از محرکه دوجناح عبور کرده‌اند و مطلقاً توجهی به حقه‌بازی‌ها در بالای نظام ندارند. امروز هر کلکی بر علیه خود نظام کار می‌کند. تاکتیک «اعتزاف‌گیری» و «سناریوهای سوخته» راه می‌اندازد، فعالین سیاسی و رهبران و سخنگویان کارگری را دستگیر می‌کند اما زیر فشار متحدانه مردم مجبور به عقب‌نشینی می‌شود و اعتراف به شکست می‌کند. به هر سمتی می‌چرخد با انگشت اتهام ده‌ها میلیون مردم رویرو می‌شود. کارش به جایی کشیده است که به هر شاخه‌ای دست دراز می‌کند، می‌شکند. پژواک اتهام از طرف میلیون‌ها مردم در گوش‌شان طنین می‌افکند. جناح‌هایش در مجلس همدیگر را متهم می‌کنند و همزمان دست کمک به سمت هم دراز می‌کنند. برای همدیگر پاپوش درست می‌کنند و همزمان زیر بغل همدیگر را گرفته‌اند که زمین نخورند. هر از چند گاهی عده‌ای را محاکمه می‌کنند تا مجرمین اصلی و اختلاس‌گران «دانه درشت» را پشت پرده نگه دارند اما باز طولی نمی‌کشد که دست‌شان رو میشود و مردم به ریش‌شان می‌خندند. علناً می‌گویند که از نظر مردم این نظام عمرش را کرده است. در میان کابوسی از آینده تاریک، می‌خواهند لحظاتی نفس آرام بکشند. فهمیده‌اند که «دیگر هیچ جناحی در دل مردم جا ندارد»؛ ظرفیت نظام را به کشتی در دریای تلاطم تشبیه کرده بود که سرنشینانش از فرط سوراخ، خواب راحت ندارند. نزد طبقه کارگر و مردم ایران اکنون زمان اتحاد و چفت شدن از پایین برای نبرد نهایی است. زمان رها شدن نه فقط از دست این نظام که رها شدن مردم منطقه از دست یکی از مسببین فلاکت و تباهی است.

### از اسرائیل: «بگذارید نفس بکشیم»

«بگذارید نفس بکشیم»، پیام هزاران تظاهرکننده اسرائیلی بود که شامگاه سه شنبه گذشته علیه دولت نتانیاهو پیرامون بحران کرونا و پیامدهای اقتصادی آن از جمله بیکاری در تل‌آویو سر داده شد. از حدود ۴ میلیون شاغل اسرائیلی، بیش از یک میلیون کار خود را به دلیل شیوع ویروس کرونا از دست داده‌اند. تا جایی که نرخ بیکاری در اسرائیل طی ماه‌های اخیر از ۳ درصد به ۲۷ درصد افزایش یافته است. آنچه عیان است، نبرد و مبارزه علیه حاکمان در جهان پسا کرونا تشدید شده است؛ تسلیم نشدن شهروندان اسرائیلی به قانون کور «عادی‌سازی» شرایط توسط دولت و «زندگی با کرونا» ادامه تعرض جنبش ساختارشکنانه محرومان به ساخت کاپیتالیسم است که از چند ماه پیش تاکنون به اشکال مختلف از آمریکا تا اروپا در جریان بوده است.

آنچه عیان است اعتراض علیه حجم سرمایه و ثروتی است که دولت‌ها صرف پروپاگاندا جنگی و زرادخانه نظامی خود می‌کنند. آنچه این وسط بی‌صاحب است مبارزه با اپیدمی کرونا و «حفاظت از جان انسانها» است. کيفرخواست طبقه کارگر و مردم اسرائیل یک کيفرخواست جهانشمول است. تپش بشریتی است که جهت بقاء خود علیه منجلاّب سرمایه‌داری و دولت‌های آن ناچار است قد علم کند.

میان حقوق جهانشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهاست

## جدال بر سر آینده ای انسانی

امان کفا

aman.kafa@gmail.com



روز گذشته عربستان سعودی بار دیگر منطقه مسکونی در یمن را بمباران کرد و کودکان و خانواده های غیر نظامی را هدف حملات هوایی قرار داد. سازمان ملل از کشته شدن ۲۲۲ کودک در عرض سال گذشته در این حملات خبر داده است و سازمان یونسف اعلام کرده که میلیونها کودک در یمن در گرسنگی مطلق به سر میبرند. این سازمان کشته شدن بیش از ۱۰۰ هزار نفر در جنگ یمن را بزرگترین فاجعه انسانی قرن معرفی کرده است. برخلاف ادعای ویرجینیا گمبا، نماینده دبیر اول سازمان ملل در رابطه با

کودکان در جنگ، که سازمان ملل برای سکوت در مقابل این جنایت آشکار تحت فشار عربستان قرار نگرفته است، بدنبال تهدید عربستان به قطع بودجه پرداختی خود به این سازمان، یکبار ائتلاف عربستان- امارات به دلیل کاهش تعداد کودکان کشته شده در یمن، نسبت به سال گذشته، از «لیست شرم» سازمان ملل بدلیل کشتار کودکان، خارج شد!

در لیبی بدنبال جنگ جاری، تعداد غیرنظامیان کشته شده طی ۳ ماه اخیر، ۲۵ درصد بیش از همین دوره در سال گذشته است. سازمان ملل از آوارگی ۳۴۵ هزار نفر در سال گذشته، ۲۸ هزار نفر در امسال و انتظار افزایش این رقم تا ۱۰۰ هزار نفر آواره دیگر خبر داده است. طرفین درگیر در این جنگ و حامیان آنان منجمله ترکیه، فرانسه، ایتالیا، امارات و دستجات «ارتش های ملی» آن، از روسیه و غیره، هر یک دیگری را «مقصر» شناخته و در این میان همچنان گورهای دستجمعی با صدها جسد «کشف» می شوند!

ولادیمیر وروتسوف، رئیس بخش مبارزه با تروریسم در سازمان ملل در گزارشی از وضعیت کمپ های شمال شرقی سوریه اعلام داشت که ۷۰۰ نفر از خانواده های اسرای داعش به دلیل کمبود غذا و دارو جان باخته اند. تاکید میدیای بین المللی بر «داعش» و «زندانیان جانی» کافی بود تا نه تنها دیگر این واقعیت که اینان «اسرای جنگی» اند، سانسور گرفته شود، بلکه حتی مرگ کودکان و خانواده های آنان نیز به جرم «خانواده داعشی» موجه جلوه داده شود. این گزارش حتی نه از طرف سازمان های حقوق بشری و یا نهادهای های خواهان نظارت بر وضعیت زندانیان و اسرای جنگی، و با سازمان های مدافع قوانین بین المللی در رابطه با جنگ، .... بلکه از جانب بخش «مبارزه با تروریسم» سازمان ملل ارائه شده است.

ارتجاع بین المللی و منطقه ای با به عهده نگرختن مسئولیت زندگی، سلامت و جان فراریان جنگی در بحران کرونا در منطقه و رها کردن صدها هزار نفر در بی امکاناتی مطلق و بویژه در اردوگاههای پناهندگان در سوریه، اردن، ترکیه و .... از بازماندگان جنایت جنگی خود، قربانی میگیرد.

کشته شدن مردم غیرنظامی، عدم تامین زندگی اسرای جنگی، تعمیم مجازات آنان به خانواده و بستگان شان، جنایتی است که اساسا دستمایه مقابله بلوکهای ارتجاعی چه منطقه ای و چه جهانی قرار میگیرد. مدتی است که زندگی ۷۰۰ هزار ساکن کمپ های آوارگان و ۱۰ هزار اسیر جنگی، به دستاویزی در امتیازگیری میان کمپ های بورژوازی منطقه ای و حامیان جهانی بدل شده است. نه محاکمه ای در کار است و نه نظارتی بر حتی زندان و زندانی ها. زندگی صدها هزار نفر براحق در مذاکرات میان ترکیه و آمریکا و چراغ سبز نشان دادن به ترکیه در گسیل ارتش به بیرون از مرزهای خود، معامله می شوند. اتحادیه اروپا اعلام کرده است که انتقال کودکان زیر ۱۰ سال شهروندهای اروپایی که به داعش پیوسته اند از این کمپ ها به اروپا «قبول» میکند، اما مادران و بقیه خانواده در همان کمپ ها، دور از مرزهای اروپا ننگ خواهد داشت. سیاستی که نه تامین زندگی و آینده ای انسانی برای این کودکان، که «جلوگیری از رادیکالیزه شدن آنان» را هدف خود قرار داده است! این تمام بشردوستی کاذب و بی محتوای دول «متمدن» اروپایی است!

هیچ آمار و ارقامی نمی تواند بیانگر ابعاد فاجعه ای که در خاورمیانه روزمره در جریان است را نشان دهد. با هیچ آمار نمی توان نابودی زندگی، از دست رفتن آرزوهای انسانی، از هم پاشیده شدن زندگی، بمباران خانه و شهر، مصائب آوارگی و از دست دادن امید به زندگی محبوس شدگان در یمن و لیبی و یا فراریان از آن را بازگو کند. مراجع بین المللی که حتی در لفظ هم پوسته رنگ باخته حقوق بشر خود، و یا قوانین خود در مورد جنگ و رفتار با اسرا و غیر

نظامیان را کاملا کنار گذاشته اند. دولت امارات گاه در اتحاد و گاه در رقابت با عربستان، جمهوری اسلامی گاه در هم پیمانی با روسیه و ترکیه و گاه در مقابل آن، آمریکا گاه در کنار عربستان و گاه با ترکیه، کشورهای اروپا گاه همسو در بلوک اتحادیه اروپا و گاه چون فرانسه و ایتالیا در تقابل با یکدیگر، ... همه و همه در خلق این فاجعه شریک اند.

اما این تنها محدود به دولت ها نیست. دسته جات و گروههای رنگارنگ بورژوازی خارج از قدرت هم، به همان اندازه در این جنایات شریک اند. نیروهای ناسیونالیستهای ترک که برای اردوغان چه در تقابل با عربستان و یا اروپا، چه در سرکوب مردم مناطق کرد نشین ترکیه، هورا میکشند، ناسیونالیست های کرد که در دل شکاف بین دولت های منطقه، در پی امتیازگیری اند و هر روز متحد یکی از دول ارتجاعی میشوند، ناسیونالیست های ضد عرب ایرانی، که در مقابل جمهوری اسلامی برای ارتقا «عظمت ایران» در منطقه و ... هر کدام بخشی از این تاریخ ضد بشری هستند. بخش چپ این ناسیونالیست ها نیز که از زاویه «تضعیف» دولت های خودی، در این میان حتی فجایعی چون کشتار مردم محاصره شده در موصل را تحت عنوان مقابله با «داعش»، بمباران مردم در لیبی توسط نیروهای ناتو را «دخالت بشردوستانه»، دخالت های نظامی در سوریه را «مقابله با بشار اسد» توجیه کردند، شریک جرم اند. نیروهایی که امروز در مقابل عواقب این جنایات و مرگ تدریجی قربانیان آن سکوت کرده اند.

در لجنزار و قتلگاهی که ارتجاع در منطقه درست کرده است اما صدای اعتراضی که حاکی از هم سرنوشتی و هم رزمی مردم علیه شرایط تحمیل شده، علیه عاملین و مسببین «داخلی» و «خارجی»، علیه همه بلوکهای ارتجاعی و هورا کش هایشان بیش از هر دوره دیگری طین انداخته است. بهار عربی را سلاخی کردند، زندگی میلیونها نفر را به محمل کشمکشهای خود تبدیل کردند، برای دوره ای امید به آینده ای انسانی و بهتر را کور کردند، اما طوفان درو خواهند کرد. توده وسیعی که بهار عربی برای تغییر را خلق کردند، مردمی که برای نجات از استبداد و فساد و فقر فقط «نمیخواهم» و «تغییر» را فریاد زدند، امروز تغییر، آینده انسانی، رفاه، سعادت، عدالت اجتماعی را معنی میکنند. امروز دیگر نه تغییر، بلکه جدال برای نوع تغییر در لبنان، عراق، تونس، مصر و .... در جریان است. جنبشی وسیع و توده ای برای تغییر در بنیادهای نابرابری، در بنیادهای قومی و مذهبی کردن جامعه، در بنیادهای بی عدالتی، فقر، استثمار و تبعیض و ... و برای جارو کردن همه نیروها و قدرتهای ارتجاعی در حال شکلگیری است. خاورمیانه فقط میدان قتل و کشتار و ویرانی نیست، خاورمیانه میدان جدالی است بر سر آینده ای انسانی!

## آزاد شان کنید یا شوش را بر سرتان خراب میکنیم!

ساعتی پیش سندیکای کارگران هفت تپه طی اطلاعیه ای خبر از بازداشت نمایندگان و سخنگویان کارگران هفت تپه، یوسف بهمنی، ابراهیم عباسی منجزی، محمد خنیفر و مسلم چشم خاور که بعد از اعتصاب عازم منزل بودند، داده است. همچنین دیروز امیر محدودلی، خبرنگار مستقل به همراه همکار خود توسط پلیس اطلاعات و امنیتی شوش بازداشت شده اند. کارگران شوش در جواب به این تعرض اعلام کرده اند: «تا دقایقی دیگر آزادشان نکنید فردا شهر شوش را روی سر اختلاسگران و مقامات امنیتی و همدست این فاسدان خراب خواهیم کرد!»

جمهوری اسلامی و دستگاه سرکوب آن از وزارت اطلاعات و قوه قضائیه و پلیس امنیتی ناتوان از رودرویی با کارگران معترض، خانواده و حامیان آنها در خیابان و کارخانه، جیوانه سخنگویان پنج هزار کارگر معترض هفت تپه را تک به تک به دام می اندازد و دستگیر میکند. با این امید واهی که صدای اعتراض کارگران هفت تپه، این نمایندگان پرشور اعتراض طبقه کارگر و مردم محروم به فقر و فلاکت، به استبداد و فساد مالی و استثمار، را خفه کند.

این ابلهان از دفاع جانانه و تا به آخر کارگران هفت تپه از نمایندگان و سخنگویان خود درس نگرفته اند. از توده های هفت تپه به وزارت اطلاعات و قوه قضائیه و مجلس و دولت و «رهبر» برای دستگیری، شکنجه و پرونده سازی های امنیتی برای نمایندگان و حامیان خود زدند، درس نگرفته اند. اینها فقط پرونده خود را سنگین تر میکنند. این تعرض جیوانه هم قطعا از طرف کارگران هفت تپه و حامیانشان، از طرف طبقه کارگر ایران و مردم آزادیخواه بی جواب نخواهند ماند. برای آزادی فوری و بی قید و شرط اسرای هفت تپه باید دست به کار شد. حاکمیت باید صدای اعتراض طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را بشنود.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۴ ژوئیه ۲۰۲۰

مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید

## رویای ممنوع عبدالله مهدی

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

عبدالله مهدی خواستار ایجاد یک نیروی نظامی و پلیس ملی برای کنترل کردستان ایران شده است. این سناریو می تواند الگوی مشابه تشکیل دولت اقلیم کردستان عراق باشد. مهدی دوره‌های تشکیل دولت اقلیم کردستان عراق برای کردستان ایران را تاریک می بیند. دولت کردی در کردستان عراق بدنبال جنگ خلیج و حمله ی آمریکا و متحدینش به عراق و در نتیجه ی یک سناریوی سیاه در عراق تشکیل شد. اما این سناریو در ایران و کردستان مطلقاً قابل اجرا نیست. در نتیجه سپاه ملی عبدالله مهدی مدل ارتش آزاد سوریه است که از جانب دولت اردوغان و متحدینش سازمان داده شده است. مهدی از حالا به آمریکا و دولتهای مرتجع منطقه پیام می فرستد که برای تشکیل یک نیروی نظامی نیابتی در کردستان ایران آمادگی دارد. این ارتش رویایی مهدی بدون وابستگی و دخالت مستقیم و پول و تسلیحات و امکانات لجستیک دولتهای منطقه و یا آمریکا ممکن نیست.

سناریوی اپوزیسیون بورژوازی و قومی برای ایران یکی است. رضا پهلوی و فرشگردی ها و غیره که همانند مهدی شانسی برای خود نمی بیند، خواستار حفظ ارتش و سپاه برای سرکوب انقلاب از پایین مردم ایران است. مجاهدین هم رویای احیای ارتش ازادببخش اش را در سر می پروراند. نیروی نظامی ای که با استفاده از تانک های ارتش عراق در تابستان ۶۸ در عملیاتی به نام فروغ جاویدان قرار بود ۴۸ ساعته به تهران برسد. و امروز عبدالله مهدی همین سناریوی رسوا و شکست خورده را برای ناسیونالیست ها و قوم پرستان کردستان پیشنهاد می کند. سنگ بنای این سناریوی نیابتی را حزب دمکرات کردستان ایران با برنامه ی «راسان» گذاشت که ناکام ماند. عبدالله مهدی و همکارانش در «مرکز همکاری احزاب کردستانی» که همه راه های از قبیل در یوزگی در کنسولگری جمهوری اسلامی در اربیل تا پستوهای سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا «سیا» را پیموده اند، اکنون رویای تشکیل ارتش آزاد نوع سوریه توسط دولتهای ترکیه و عربستان و با چراغ سبز آمریکا را در سر دارند. مهدی دایمی جان ناپلئونی است که تخیلات ذهن بیمارش را بجای واقعیت های کردستان ایران می گذارد. او کردستان ایران را محل اقوام و عشایر و سکت های قومی و مذهبی می پندارد که مهدی رییس عشیره و سپاه مزدورش، کم دارد!

کردستان ایران سنت های مبارزاتی و انقلابی و کمونیستی بسیار قدرتمندی دارد. جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه ی کارگران و زحمتکشان و جوانان و زنان و روشنفکران انقلابی کردستان، نه نسخه ی دولت اقلیم کردستان عراق را می پذیرد و نه ارتش آزاد نوع سوریه و ساخته ی دولتهای مرتجع منطقه به فرماندهی مهدی و همکارانش. دولت کردی به ضرب نیروی نظامی نیابتی ارتجاع منطقه در کردستان ایران رویایی ممنوع است. غیرممکن است.

جنبش آزادیخواهانه در کردستان ایران بخشی از جنبش سراسری طبقه کارگر و زحمتکشان ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. اداره جامعه کردستان نه توسط ارتش و پلیس نیابتی مهدی ها، بلکه با شوراهای کارگری و مردمی اداره خواهد شد. شکی نیست ارتش رویایی مهدی اگر تشکیل هم شود، موی دماغ کمونیسم و آزادیخواهی و برابری طلبی در کردستان خواهد شد. کمونیسم ما در کردستان به مخاطرات برنامه و نقشه های ضد مردمی ناسیونالیسم کرد و به ظرفیت سناریوی سیاهی قوم پرستانی چون مهدی و ایلخانی زاده و خه بات و سلفی ها آگاه است. اما جنبش انقلابی مردم در کردستان پتانسیل و توانایی مقابله با نقشه های شوم دشمنانش را دارد. سناریوی سیاه و رویایی ارتش ملی مهدی و متحدینش در «مرکز همکاری» اگر بتواند در چند روستا و تپه کردستان عرض اندام کند و به مناطق مسکونی و خانه های مردم توپ و خمپاره بفرستد، اما مردم انقلابی و آزادیخواه قلم پای نیروی نظامی قوم پرستان را اگر جرات قدم گذاشتن به شهر و شهرک های کردستان را داشته باشد، خواهند شکست.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۶ تیرماه ۹۹ - ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۰

## «گفتیم زمین زیر پای شما را داغ می کنیم!»

بیست و هشتمین روز از اعتصاب کارگران هفت تپه با حضور پرشور کارگران و خانواده هایشان در خیابانهای شوش را پشت سر گذاشتیم. کارگران کمکان مصمم اند که تا رسیدن به آخرین حلقه از خواسته هایشان از جمله خلع ید از کارفرما و بازگشت به کار همکاران اخراجی شان، از پای نشینند و آنگونه که خود اعلام کرده اند، «زمین را زیر پای کارفرما و دولت و مسئولان کشوری و استانی آن داغ کنند!» کارگران به درست بر حق قانونی اعتراض و اعتصاب خود پافشاری میکنند و هر روز توطئه های جدید کارفرما و حامیان در حکومت را خنثی و برملا میکنند.

نمایندگان و سخنگویان هفت تپه اعلام کرده اند که کارگران به واسطه سالها تجربه اعتراض و اعتصاب، چنان به اتحاد در صفوف شان آگاه شده اند که مجال است مجال درهم شکستن این صف یکدست را به عوامل و دست نشانده های کارفرما و دولت حامی آن بدهند. همین خودآگاهی به اتحاد و طرد عوامل تفرقه و نفاق در صفوف کارگران است که از اسدیگی و رستمی تا شورای اسلامی کار و خانه کارگر، از استاندار خوزستان و مراکز اطلاعاتی و پلیسی آنها، تا قالیباف و روحانی و رئیس را در رکاب هم آچمز کرده است. این اتحاد در کنار مجمع عمومی منظم کارگران و قرار گرفتن هفت تپه در میان حلقه ای از حمایت هم طبقه ای ها و مردم آزادیخواه ایران، چنان قدرتی به رگهای اعتصاب در هفت تپه پمپاژ کرده که دست حکومت و دستگاه سرکوب آن را از تعرض به نمایندگان و سخنگویان کارگران کوتاه کرده است. همین سمبه پر زور اتحاد و همبستگی طبقاتی است که بخشی ها و خنغیرها و حامیان هفت تپه را از سپاه چاله های حاکمیت آزاد کرده و بهمنی ها و عباسی ها و سایر سخنگویان لایق هفت تپه را از گزند دستگاه سرکوب دور نگاه داشته است. اکنون هفت تپه ای ها فاکتور قدرتمند «اتحاد» را با گوشت و پوست خود حس کرده اند. به همت همین اتحاد و عزم کارگران، یکبار دیگر مردم شهر شوش همه هفت تپه ای شدند. امروز، هفت تپه دیگر تنها صدای یک کارخانه در یک گوشه ای از مملکت نیست؛ هفت تپه آنگونه که بخشی از خود کارگران مدعی اند: «فقط صدای کارگران یک کارخانه نیست بلکه حنجره ی تمام کارگران و مزدبگیران تحت ستم است».

تپش اعتصابات متحدانه در هفت تپه مرزهای ملی و صنفی را در هم شکسته است؛ همانگونه که هرچه منفعت کارفرمای هفت تپه ایجاد میکند، منفعت شورای اسلامی کار و وزیر تعاون و هر سه قوای نظام هم ایجاد میکند، منفعت کارگران هفت تپه نیز، جدا از منافع کل طبقه کارگر ایران نیست. آنچه هفت تپه میخواهد، آذراب هم میخواهد، پتروشیمی ها و فولاد اهواز هم میخواهند، کارگران نفت و نیروگاه های برق و آب و گاز هم میخواهند، عسولویه هم میخواهد، پرستاران، معلمان، بازنشستگان و شرکت واحدی ها و کارگران بخش خدمات و حمل و نقل و کولبران مرزی هم میخواهند؛ کارگران هفت تپه رفاه و خوشبختی و آسایش و یک زندگی شرافتمند میخواهند. هفت تپه، پرچم نه به فقر و بیکاری، نه به بردگی مزدی و بیگاری را برافراشته است. هفت تپه، پرچم ۴۰ سال مطالبات فروکوفته طبقه کارگر ایران را از زیر خاکستر بیرون کشیده است، حق اعتصاب و اعتراض و تشکر را به زور بازوی طبقاتی به حاکمیت تحمیل کرده است. هفت تپه با آگاهی از تبعات اعتراض در جمهوری اسلامی امروز قد برافراشته است و بانگ بر میدارد: اتحاد اتحاد! و کارگران ساختمانی کردستان اعلام میکنند «بگذار همه دنیا بدانند که طبقه کارگر ایران اعتصاب و حق طلبی هفت تپه خود را تنها نمیگذارد!» سندیکای شرکت واحد و کارگران بخشهای دیگر به حمایت از آنان برخاستند.

همین «اتحاد»، نخستین و مهمترین خشت آگاهی طبقاتی در صفوف کارگران ایران است؛ اتحاد چیزی جز در هم شکستن قانون تقسیمات قومی، مذهبی و جنسی و... بورژوازی و به تبع آن تضعیف قدرت سراسری طبقه کارگر نیست. قانونی که حاکمان بر متن آن دست به ایجاد دودستگی و نفاق و تضعیف نیروی سراسری کارگران می زنند. هفت تپه پیشقراول در هم شکستن این قانون، پیشقراول امر اتحاد سراسری طبقه کارگر در ایران است. باید به این فراخوان جواب مثبت داد. باید همه مراکز تولیدی را به هفت تپه تبدیل کرد. باید حمایت از هفت تپه را همه جانبه کرد! صدای حق طلبی هفت تپه ای ها، صدای طبقه کارگر به وسعت ایران علیه استثمار و بردگی مزدی و برای جامعه ای آزاد و برابر است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

۱۲ ژوئیه ۲۰۲۰

# نه قومی نه مذهبی زنده باد همبیت انسانی



## علیه نا امن کردن فضای زندگی و مبارزه مردم

(در حاشیه انفجارات اخیر در ایران)

طی دو هفته گذشته حوادث و انفجارهایی در مناطق مختلف ایران بویژه در تاسیسات اتمی، نیروگاه برق و پالایشگاه و مراکز صنعتی روی داده است. حوادثی که به حق مایه نگرانی عمیق مردم در ایران شده است.

روز ۵ تیر ماه انفجاری در منطقه پارچین در شرق تهران روی داد. در مورد محل انفجار و دلایل آن اخبار متفاوت و ضد و نقیضی هم از جانب جمهوری اسلامی و هم رسانه های مختلف اظهار شده است. گفته میشود منطقه محل انفجار از مراکز تولید مواد منفجره، راکت و مهمات است. جمهوری اسلامی گفته است محل انفجار پارچین بوده است. در همین روز پست برق شهر شیراز دچار آتش سوزی شد.

روز ۱۲ تیر ماه در یکی از ساختمانهای مرکز مونتاز سانتریفوژهای در نطنز در استان اصفهان انفجاری رخ داد. به دنبال این انفجار، روز ۱۴ تیر آتش سوزی در نیروگاه حرارتی زرگان اهواز رخ داده است.

هر چند تا کنون جمهوری اسلامی در مورد دلیل انفجار نظر قطعی و روشنی ابراز نکرده است اما گمانه زنی های زیادی در مورد این اتفاقات، از احتمال دست داشتن عوامل خارجی، از جمله دولت اسرائیل، طرح شده است. «شورای عالی امنیت ملی ایران» مدعی است علت انفجار نطنز از نظر آنها روشن است اما بدلائل امنیتی بحث از جزئیات این ماجرا را به بعد موکول کرده است.

طی دو سال گذشته و همراه با افزایش تنش میان آمریکا و متحدینش مانند اسرائیل و عربستان و... با ایران دامنه انفجارات نیز در ایران و در مراکز حساس نظامی و اتمی افزایش یافته است. بعلاوه در این دو سال فضای جنگی و مانورهای نظامی چه از جانب آمریکا و لشکر کشی به خلیج و چه از جانب جمهوری اسلامی، به نام آمادگی برای دفاع در خلیج فارس و... افزایش یافته است.

در دل این تخصیصات وقوع انفجارهای اخیر انواع گمانه زنی در مورد دلایل و عوامل چنین انفجارهایی را مستقیم و غیر مستقیم به جدال جمهوری اسلامی و آمریکا و متحدین او گره زده است. اما و مستقل از اینکه دلایل واقعی این انفجارات چه باشد، مستقل از اینکه اسرائیل یا آمریکا و یا عناصر داخلی در خود حاکمیت عامل انفجارات و سوانح اخیر باشند، دود آن مانند تبلیغات جنگی و ایجاد فضای ناامن در ایران و منطقه، به چشم مردم آزادیخواه ایران میرود. جمهوری اسلامی طی یک ساله بیش از ۱۷ نفر را با پرونده جاسوسی برای این کشور روانه زندان کرده است. امروز و به بهانه این تخصیصات، حکم اعدام یکی از مهره های خود را به جرم جاسوسی برای آمریکا صادر کرده است. حاکمیت خود را برای سرکوب مردم به بهانه «دفاع از امنیت ملی» آماده میکند.

دامن زدن به فضای جنگی، تحریکات نظامی، بمب گذاری و موشدوانی در منطقه از طرف جمهوری اسلامی و باندهای وابسته به آن تا آمریکا، اسرائیل یا عربستان و گروههای وابسته به آنها، این دشمنان قسم خورده مردم آزادیخواه، مستقیماً در خدمت حاکمیتها ارتجاعی منطقه از جمله جمهوری اسلامی برای عقب راندن اعتراضات بر حق مردم است.

حزب حکمتیست (خط رسمی)، هر نوع تحریکات نظامی، هر نوع بمب گذاری، هر نوع فضا و پروپاگاندا جنگی ... را اقدامی علیه مردم منطقه، علیه مردم ایران و خدمت به جمهوری اسلامی و دول ارتجاعی میدانند و آنرا محکوم میکنند. ما همزمان تحریکات جمهوری اسلامی علیه مردم ایران به بهانه تخصیصات با این دولتها، تشدید فضای پلیسی و امنیتی در جامعه به بهانه این انفجارات و... را اقدامی آگاهانه علیه مردم آزادیخواه ایران میدانیم.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۴ ژوئیه ۲۰۲۰ - ۲۴ تیر ۱۳۹۹

# برای آزادی و برابری به حزب حکمتیست به پیوندید!

hekmatist.com

صدای آزادی، صدای برابری



تماس با حزب

تلگرام حزب @Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی